

ماجرای زنی که شوهر داشت و ازدواج کرد

8 اردیبهشت 1404

مرد جوانی که با شکایت همسر پدرش به کلانتری رفته بود، گفت پدر ما اکنون در بیمارستان روانی بستری است.

مرد ۳۵ ساله‌ای که در پی شکایت همسر افغانستانی پدرش به کلانتری گلشهر مشهد رفته بود، درباره ماجرای عجیب ازدواج پدرش گفت: پدرم اگرچه از چندین دهه قبل دچار بیماری اعصاب و روان شد، اما باز هم حال خوبی داشت و از کسبه متعهد در بازار بود.

او طوری با آبرو زندگی می‌کرد که همه بازاریان به او احترام می‌گذاشتند و حتی واسطه ازدواج جوان‌ها می‌شد. با وجود این، مشکلات ما از روزی آغاز شد که پزشکان متخصص بر بیماری سرطان مادرم مهر تایید زدند. ما خیلی تلاش کردیم بیماری مادرم درمان شود، ولی متأسفانه حدود ۲ سال قبل او بر اثر عوارض ناشی از همین بیماری صعب‌العلاج از دنیا رفت و در این شرایط بیماری عصبی پدرم نیز شدت گرفت.

بعد از مرگ مادرم به‌کلی رفتارهای پدرم تغییر کرد و به مردی پرخاشگر تبدیل شد. همه سعی می‌کردیم به پدرم رسیدگی کنیم و او را از این شرایط خطرناک نجات بدهیم. عمه‌هایم شبانه‌روز از او مراقبت می‌کردند. خلاصه تمام خانواده و فامیل بسیج شدیم تا به پدرم کمک کنیم.

در همین روزها بود که تصمیم گرفتیم همسری برای پدرمان انتخاب کنیم تا هم از او مراقبت کند و هم همراه و همدل او باشد. چند نفری را اطرافیان معرفی کردند، ولی پدرم قبول نکرد تا اینکه روزی یکی از دوستان پدرم زن تبعه خارجی (افغانستانی) را معرفی کرد که هیچ‌گونه مدرک شناسایی نداشت. آن زن ۴۵ ساله مدعی بود مجرد است و هیچ‌کس را در ایران ندارد.

پدرم با این زن ازدواج کرد، اما هنوز یک ماه از این ماجرا نگذشته بود که او پیغام داد باردار شده است. خیلی تعجب کردیم، چون پدرم از مدت‌ها قبل در این زمینه مشکل داشت. چند روز بعد هم زن جوان دیگری با ما تماس گرفت و ادعا کرد دختر همسر پدرم است و در ایران به همراه دو فرزندش زندگی می‌کند.

آن زن جوان ماجراهای عجیب دیگری هم بازگو کرد و گفت پدرم مادرمان را به صورت زبانی طلاق داده بود و فکر می‌کرد که دوباره به زندگی مشترک باز می‌گردد، ولی هنگامی که فهمید او در ایران ازدواج کرده است به‌شدت بیمار شد و ۲ روز بعد در بیمارستان جان سپرد.



مرکز مشاوره
حال خوب
پامچوز سازمان نظام روانشناسی ایران
ازدواج، خانواده
دکتر کبری درویش پیشه
تلفنی و حضوری
۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸

از سوی دیگر، پدرم هم وقتی ماجراهای تلخ و دردناک را شنید بسیار افسرده و ناراحت شد و گفت دیگر نمی‌خواهد با آن زن تبعه خارجی زندگی کند. پدرم عذاب وجدان گرفته بود و به شدت رنج می‌کشید. به همین دلیل هم نزد همان عاقدی رفتیم که آن زن را به عقد موقت پدرم درآورده بود و خطبه طلاق را جاری کردیم.

ولی حال پدرم هر روز بدتر می‌شد و بیماری اعصاب و روانش به مرز خطرناکی رسید. به همین خاطر او را به مرکز روانپزشکی بردیم و در بیمارستان بستری کردیم. حالا هم همسر او ادعا می‌کند که ما پدرمان را مخفی کرده‌ایم و شوهرش گم شده است، در حالی که پدرم وقتی او را می‌بیند به شدت عصبی می‌شود و حالش رو به وخامت می‌رود.

بررسی‌های قانونی و اقدامات مشاوره‌ای در این باره با دستور سرهنگ ابراهیم عربخانی رئیس کلانتری گلشهر مشهد در مرکز انتظامی آغاز شد./منبع: خراسان